



اصول فقه ۳ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۲۸

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای یاسر سعادتى

مقدمه

در درس قبل بیان شد که برخی از علما -که به اخباریون معروف هستند- ظواهر قرآن را از حجیت ظواهر، استثنا کرده‌اند و تمسک به ظواهر قرآن را جایز نمی‌دانند. ایشان چند دلیل بر مدعای خویش بیان کرده‌اند؛ یک دلیل ایشان آیه شریفه «هو الَّذی أنزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن أم الکتاب و آخر متشابهاً فأما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأویلہ...» می‌باشد؛ شهید صدر سه پاسخ به این استدلال داده‌اند که یکی از آن‌ها در درس قبل بیان شد. در این درس دو جواب دیگر و دلیل دیگر اخباریون که برخی از روایات است، بیان می‌گردد؛ ایشان این روایات را به سه دسته تقسیم نموده و به هر دسته پاسخ مناسب را بیان می‌هند.

در این درس سه دسته روایات و پاسخ دسته اول و دوم، مطرح شده و پاسخ دسته سوم به درس بعدی موکول می‌شود.

متن درس

[و قد يستدل على ذلك بما يلي: الدليل الأول قوله تعالى: «هو الَّذِي أنزل عليك الكتاب منه آيات محكمات هن أم الكتاب و آخر متشابهات فأما الذين فى قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأويله...» و الجواب من وجوه: الأول: ان اللفظ الظاهر ليس من المتشابه....]

الثاني: لو سلمنا ان الظاهر من المتشابه، فلا نسلم ان الآية الكريمة.

تنهى عن مجرد العمل بالمتشابه، و انما هى فى سياق ذم من يلتقط المتشابهات، فيركز عليها بصورة منفصلة عن المحكمات ابتغاء الفتنة، و هذا مما لا إشكال فى عدم جوازه حتى بالنسبة إلى ظواهر الكتاب، فمساق الآية مساق قول القائل ان عدوى يحاول ان يبرز النقاط الموهمة من سلوكي، و يفصلها عن ملاساتها التى توضح سلوكي العام.

الثالث: ما قد يقال: من أن الآية ليست نصا فى الشمول لظاهر الكتاب، و انما هى ظاهرة - على أكثر تقدير - فى الشمول، و هذا الظهور يشمله النهى نفسه فيلزم من حجية ظاهر الآية فى إثبات الردع عن العمل بظواهر الكتاب الكريم نفى هذه الحجية.

الدليل الثاني: الروايات الناهية عن الرجوع إلى ظواهر القرآن الكريم، و يمكن تصنيفها إلى ثلاث طوائف.

الطائفة الأولى: ما دل من الروايات على ان القرآن الكريم مبهم و غامض قد استهدف المولى إغماضه و إبهامه لأجل تأكيد حاجة الناس إلى الحجة، و أنه لا يعرفه الا من خوطب به، و ان غير المعصوم لا يصل إلى مستوى فهمه. و هذه الطائفة يرد عليها:

أولاً: ان رواياتها جميعا ضعيفة السند، بل قد يحصل الاطمئنان بكذبها نتيجة لضعف رواياتها، و كونهم فى الغالب من ذوى الاتجاهات الباطنية المنحرفة على ما يظهر من تراجمهم. مع الالتفات إلى ان إسقاط ظواهر الكتاب الكريم عن الحجية امر فى غاية الأهمية. فلو كان الأئمة بصدد بيانه، لما أمكن عادة افتراض اختصاص هؤلاء الضعاف بالاطلاع على ذلك و الاخبار عنه دون فقهاء أصحاب الأئمة الذين عليهم المعول، و إليهم تفزع الشيعة فى الفتوى و الاستنباط بأمر الأئمة و إرجاعهم.

و ثانياً: ان هذه الروايات معارضة للكتاب الكريم الدال على انه نزل تبيانا لكل شىء و هدى و بلاغاً، و المخالف للكتاب من اخبار الآحاد لا يشمله دليل حجية خبر الواحد كما أشرنا سابقاً.

الطائفة الثانية: ما دل من الروايات على عدم جواز الاستقلال فى فهم القرآن عن الحجة. و هذه لا تدل على عدم جواز العمل بظاهر الكتاب بعد الفحص فى كلمات الأئمة و عدم الظفر بقرينة على خلاف الظاهر، لأن هذا النحو من العمل ليس استقلالاً عن الحجة فى مقام فهم القرآن الكريم.

الطائفة الثالثة: ما دل من الروايات على النهى عن تفسير القرآن بالرأى، و ان من فسر القرآن برأيه فقد كفر.

و قد أجيب على الاستدلال بها، بان حمل اللفظ على معناه الظاهر ليس تفسيراً لأن التفسير كشف القناع، و لا قناع على المعنى الظاهر.

اولین دلیل اخباری‌ها بر عدم حجیت ظواهر قرآن کریم (یادآوری)

در درس قبل بیان شد که اخباری‌ها، سه دلیل بر عدم حجیت ظواهر کتاب اقامه نموده‌اند؛ دلیل اول ایشان تمسک به آیه شریفه «هو الَّذی أنزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن أم الکتاب و^۱ آخر متشابهاً فأما الذین فی قلوبهم زیغ^۲ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء^۳ الفتنة و ابتغاء تأویل^۴...»^۵؛ ترجمه: «اوست کسی که بر تو کتاب را فرو فرستاد. بخشی از آن آیات محکم است که آن‌ها اساس کتابند و بخش دیگر متشابهاً است. پس آنان که در قلب‌هایشان کجی و انحراف است، آیاتی از قرآن را که متشابهند، پیروی می‌کنند؛ برای آن‌که در طلب فتنه و به دنبال تأویل قرآن هستند.» است. در درس قبل بیان شد که خلاصه استدلال به آن به این نحو است:

صغری: ظاهر، جزء متشابهاً است.

کبری: طبق این آیه، عمل به متشابهاً قرآن کریم جایز نیست.

نتیجه: عمل به ظواهر قرآن کریم جایز نیست.

در درس قبل، یک پاسخ از شهید صدر به این استدلال بیان شد، که عبارت بود از انکار صغری؛ یعنی در پاسخ اول بیان شد که ظواهر جزء متشابهاً نیست.

پاسخ دوم؛ انکار کبری

شهید صدر می‌فرماید: اگر هم با اخباری مماشات کنیم و بپذیریم که ظواهر جزء متشابهاً هستند، کبرای استدلال ایشان را نخواهیم پذیرفت؛ یعنی قبول نداریم که مطلق عمل به متشابهاً حرام باشد؛ بلکه این آیه در مقام نهی از سوء استفاده از متشابهاً قرآن کریم می‌باشد؛ یعنی در مقام نهی از این است که با تمسک به متشابهاً قرآن، فتنه‌گری نموده و شبهات گمراه کننده، مطرح شود و محکمات قرآن، به وسیله آن‌ها کنار گذاشته شود که بدون شک چنین عملی حرام می‌باشد، چنان‌که شکی در حسن احتیاط نسبت به متشابهاً وجود ندارد. به عنوان مثال آیه‌ای متشابه، شی‌ای را حرام نموده است و یا احتمال در مقام تحریم بودن آن آیه وجود دارد. در این صورت اگر فردی احتیاط نماید و طبق آیه متشابه عمل نماید نه تنها مذموم و حرام نیست، بلکه حسن و محبوب شارع نیز می‌باشد.

مثال: کسی با تمسک به آیه شریفه «ید الله فوق أیدیهم» اثبات نماید که خداوند تبارک و تعالی دارای اجزاء و دست می‌باشد، در حالی که آیه شریفه «لیس کمثله شیء» و ادله عقلی و نقلی دیگر بر عدم اجزاء داشتن خداوند متعال را به وسیله آیه فوق کنار بگذارد؛ بدیهی است، چنین تمسکی جایز نیست.

^۱. معطوف‌علیه: آیات محکمات.

^۲. یعنی: کجی و انحراف.

^۳. مفعول له «فیتبعون».

^۴. مرجع ضمیر: الکتاب.

^۵. آل عمران، آیه ۷.

تطبیق

الثانی^۱: لو سلمنا ان الظاهر من المتشابه، فلا نسلم ان الآیه الکریمه تنهی عن مجرد العمل بالمتشابه، و انما هی^۲ فی سباق دم من یلتقط^۳ المتشابهات، فیرکز علیها بصورة منفصلة عن المحکّمات ابتغاء^۴ الفتنه، و هذا^۵ مما لا إشکال فی عدم جوازه حتی بالنسبة إلی ظواهر الکتاب.

وجه دوم: اگر بپذیریم که ظاهر، متشابه محسوب می شود، دیگر نمی پذیریم که آیه کریمه از مجرد عمل به متشابه نهی می کند، بلکه آیه مذکور، تنها در سباق مذمت کردن کسی است که متشابهات را برمی چیند، سپس به صورت جدا از محکّمات بر آن ها تأکید می ورزد؛ و در عدم جواز چنین چیزی حتی نسبت به ظواهر کتاب شکی نیست. (بلکه به کمک نصوص قرآن و با توجه به آن ها باید معنای مراد را به دست آورد).

فمساق الآیه مساق قول القائل: ان عدوی یحاول ان یرز النقاط الموهمة من سلوکی، و یفصلها^۶ عن ملابساتها التي توضح سلوکی العام .

پس جریان این آیه، جریان سخن آن گوینده است که گوید: دشمن من تلاش می کند نقاط توهم آمیز رفتار مرا آشکار سازد و آنها را از ملابساتی (یعنی شرائط و خصوصیات زمانی و مکانی) که خط مشی عمومی مرا روشن می کند، جدا سازد^۷.

جواب سوم؛ عدم امکان استدلال به آیه شریفه بر عدم حجیت ظواهر قرآن

شهید صدر(ره) می فرماید: از استدلال به این آیه بر عدم حجیت ظواهر قرآن، عدم حجیت نفس آیه لازم می آید؛ زیرا منتهی دلالت این آیه شریفه، ظهور در نهی از عمل به ظواهر می باشد و اگر از عمل به ظواهر نهی نماید، شامل خودش نیز می شود، پس هر چیزی که از حجیتش، عدم حجیت نفس آن چیز لازم آید، محال است؛ چون هر چیزی که از وجودش، عدمش لازم آید، محال است.

تطبیق

الثالث^۸: ما قد یقال: من^۹ أن الآیه لیست نصا فی الشمول لظاهر الکتاب،

^۱. یعنی: جواب دوم به دلیل اول اخباری ها بر عدم حجیت ظاهر قرآن.

^۲. مرجع ضمیر: الآیه الکریمه.

^۳. یعنی: می چیند، جمع آوری می کند.

^۴. مفعول له «فیرکز».

^۵. مشار الیه: الارتکاز علی المتشابهات ابتغاء الفتنه.

^۶. مرجع ضمیر: النقاط الموهمة.

^۷. جواب دوم را می توان به وسیله روایتی که از امام رضا(ع) نقل شده است؛ تأیید نمود که فرموده اند: «من رد متشابه القرآن الی محکمه فقد هدی

الی صراط مستقیم» ثم قال(ع): «إن فی أخبارنا محکماً محکّم القرآن و متشابهاً کمتشابه القرآن، فردوا متشابهها إلی محکّمها و لا تتبعوا متشابهها دون

محکّمها فتضلوا» رک: وسائل الشیعه، باب نهم از ابواب صفات قاضی، حدیث ۲۲.

^۸. یعنی: جواب سوم به دلیل اول اخباری ها بر عدم حجیت ظاهر قرآن.

^۹. بیان «ما قد یقال».

وجه سوم مطلبی است که گاه این گونه ادا می شود که آیه شریفه، در شامل بودن ظاهر کتاب خدا، نص نیست (بلکه دلالت آیه شریفه از قبیل دلالت مطلق بر مصداق خود است).

و انما هی^۱ ظاهرة - علی أكثر تقدیر^۲ - فی^۳ الشمول، و هذا الظهور یشمله النهی^۴ نفسه

و حداکثر آن است که ظاهر در شمول باشد و این ظهور خود آن نهی را شامل است. (یعنی نهی از پیروی متشابه اگر به معنای نهی از پیروی ظاهر باشد، پس استدلال به این آیه نیز نوعی پیروی متشابه است؛ چون این آیه نیز ظاهر است، نه نص).

فیلزم من حجیة ظاهر الآیة فی^۵ إثبات الردع عن العمل بظواهر الکتاب الکریم نفی^۶ هذه الحجیة.

پس از حجیت ظاهر آیه در اثبات ردع از عمل به ظواهر کتاب کریم، نفی این حجیت لازم می آید. (و چیزی که از حجیت آن نفی حجیتش لازم آید، نمی تواند حجت باشد).

Sco:۱۱:۵۱

دلیل دوم اخباری ها بر عدم حجیت ظواهر قرآن کریم

گفتیم اخباری ها، بر عدم جواز تمسک به ظواهر قرآن کریم، سه دلیل اقامه نموده اند؛ استدلال اول ایشان و سه پاسخ از شهید صدر (ره) به آن، در درس گذشته و بخش قبلی بیان گردید. در این بخش از درس، به بیان و بررسی دلیل دوم اخباری ها می پردازیم.

دومین دلیل اخباری ها بر عدم جواز تمسک به ظواهر قرآن مجید، اخباری است که از رجوع به قرآن نهی می کند؛ این اخبار را در سه گروه می توان دسته بندی نمود:

دسته اول: أخبار دالّ بر اختصاص فهم قرآن به معصومین (ع)

اولین دسته از روایاتی که مورد استدلال اخباری ها بر عدم حجیت ظواهر واقع شده است، روایاتی است که فهم قرآن مجید را مختص به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) دانسته اند و غیر معصوم، نه می تواند قرآن را بفهمد و نه می تواند آن را برای دیگران تفسیر نماید؛ علت اغماض و ابهام آیات قرآن کریم از جانب خداوند متعال این بوده است که مردم را به سوی حجت خود سوق دهد و تأکیدی بر نیاز و حاجت مردم به حجت و امام معصوم (ع) می باشد.

^۱. مرجع ضمیر: الآیة

^۲. زیرا ممکن است گفته شود: این آیه در شمول متشابهات، نسبت به ظواهر مجمل می باشد.

^۳. متعلق: ظاهرة.

^۴. فاعل «یشمله».

^۵. متعلق: حجیة.

^۶. فاعل «فیلزم».

^۷. به ادعای اخباریون.

مانند روایت جابر از امام صادق(ع) که فرموده‌اند: «یا جابر إن القرآن بطناً و للبطن ظهراً و ليس شيء أبعد عن عقول الرجال منه، إن الآية لينزل أولها في شيء و أوسطها في شيء و آخرها في شيء و هو كلام متصرف على وجوه»^۱ و مانند روایت امام باقر(ع) که می‌فرمایند: «إنما يعرف القرآن من خوطب به».

پاسخ شهید صدر به استدلال به روایات دسته اول

شهید صدر (ره) در پاسخ به استدلال به روایاتی که فهم قرآن را مختص به معصومین (ع) می‌دانند دو جواب ذکر می‌نماید:

جواب اول: این روایات همگی ضعیف‌السند هستند و نمی‌توان به آن‌ها تمسک کرد؛ زیرا این روایات یا مرسله هستند و یا سند آن‌ها مشتمل بر روایاتی است که ضعف آن‌ها ثابت شده است و یا این‌که وثاقت ایشان ثابت نشده است. علاوه بر این، اکثر راویان این احادیث، کسانی هستند که خود را اصحاب باطن می‌نامند و گاهی با توجیهاتی موهون دست از ظاهر شریعت برداشته و با آن مخالفت می‌کنند. به عنوان مثال برخی از ایشان نماز نمی‌خوانند و می‌گویند اگر انسان به مرحله یقین رسید، دیگر لازم نیست، نماز بخواند و به آیه شریفه «فاعبد ربك حتى يأتيك اليقين»^۲ تمسک می‌نمایند و اگر ظاهر قرآن حجت نبود و تمسک به آن جایز نبود، باید از طرق دیگر مخصوصاً طریق فقهایی همچون زرار و محمد بن مسلم نیز اخباری بر نهی از عمل به ظاهر قرآن به ما می‌رسید. پس با عدم رسیدن چنین اخباری از غیر از طریق اهل باطن، یقین به کذب این اخبار پیدا می‌کنیم.^۳

تطبیق

الدلیل الثانی^۴: الروایات الناهیة عن الرجوع إلى ظواهر القرآن الکریم، و یمکن تصنیفها^۵ إلى ثلاث طوائف. دلیل دوم (برای عدم حجیت ظواهر قرآن) روایاتی است که نهی‌کننده از رجوع به ظاهر قرآن کریم دارد^۶ و می‌توان آن‌ها را به سه طایفه تقسیم کرد. الطائفة الأولى: ما دل من الروایات علی ان القرآن الکریم مبهم و غامض قد استهدف المولی إغماضه^۷ و إبهامه لأجل^۸

^۱. وسائل الشیعه، باب ۱۳ از ابواب صفات قاضی، ح ۷۴.

^۲. سورة حجر، آیه ۹۹.

^۳. ر.ک: برای توضیح بیشتر به کتاب شرح الاصول (شرح حلقه ثانیه) تألیف شیخ محمد صنقور علی بحرانی، ج اول، ص ۴۳۸ رجوع نمایید.

^۴. یعنی: دلیل دوم اخباری‌ها بر عدم حجیت ظواهر قرآن کریم.

^۵. مرجع ضمیر: الروایات الناهیة.

^۶. صاحب وسائل الشیعه «ره» این روایات را در جلد هجدهم کتاب خویش در باب سیزده از ابواب صفات القاضی تحت عنوان «عدم جواز استنباط الاحکام النظریة من ظواهر القرآن الا بعد معرفه تفسیرها من الائمه-علیهم السلام»-گردآورده است.

^۷. مرجع ضمیر: القرآن الکریم.

^۸. متعلق: استهدف.

تأکید حاجه الناس إلى الحجة، و أنه^۱ لا يعرفه^۲ الا من خوطب به، و ان غير المعصوم لا يصل إلى مستوى فهمه. طایفه اول روایاتی است که دلالت دارد بر آن که قرآن کریم مبهم و غامض (یعنی پیچیده) است و مولا (که نازل کننده قرآن است) هدفش اغماض و ابهام آن بوده است تا بر احتیاج مردم به حجت (یعنی پیامبر و امام معصوم) تاکید ورزد و (هم چنین روایاتی که دلالت دارد بر) این که کسی قرآن را نمی شناسد، مگر آن کسی که مخاطب قرآن واقع شده است و این که غیر معصوم به سطح فهم قرآن نمی رسد.^۳ و هذه الطائفة يرد عليها:

أولاً: ان رواياتها جميعاً ضعيفة السند، بل قد يحصل الاطمئنان بكذبها نتيجة^۴ لضعف روايتها، و كونهم^۵ في الغالب من ذوى الاتجاهات الباطنية المنحرفة على ما يظهر من تراجمهم.

بر این طایفه (از روایات مذکور) چنین اشکال وارد می آید که: اولاً، سند همه روایات این طایفه، ضعیف است، بلکه گاه اطمینان به کذب آنها پیدا می شود. نتیجه آن که راویان این روایات افراد ضعیفی هستند که براساس آنچه از شرح حال آن ها بر می آید، غالباً خط مشی باطنی منحرف داشته اند.^۶

مع الالتفات إلى ان إسقاط ظواهر الكتاب الكريم عن الحجية امر في غاية الأهمية.

با توجه به آن که اسقاط ظواهر کتاب کریم از حجیت، مسأله ای بسیار مهم است،

فلو كان الأئمة بصدد بيانه^۷، لما أمكن عادة افتراض اختصاص هؤلاء الضعاف بالاطلاع على ذلك^۸ و الاخبار عنه دون فقهاء أصحاب الأئمة الذين عليهم المعول، و إليهم تفزع الشيعة في الفتوى و الاستنباط بأمر^۹ الأئمة و إرجاعهم.

پس اگر ائمه معصومین (ع) درصدد بیان آن بودند، عادتاً امکان نداشت که تنها این افراد ضعیف، بر آن واقف باشند و از آن خبر دهند، نه فقهای اصحاب ائمه که مورد اعتماد بوده اند و شیعه به دستور ائمه و ارجاع ایشان، در فتوا و استنباط به آنان روی می آوردند.

جواب دوم به اخبار طایفه اول

۱. ضمیر شأن.

۲. مرجع ضمیر: القرآن الكريم.

۳. در حدیث ۲۵ از باب مذکور، امام باقر (ع) می فرمایند: «...ويحك يا قتادة! إنما يعرف القرآن من خوطب به.»

۴. مفعول له «يحصل».

۵. مرجع ضمیر: روايتها.

۶. مانند سعد بن طریف که در تفسیر آیه شریفه «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْتَهِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» روایت کرده است که فحشاء مردی است و منکر مردی است و نماز سخن می گوید. و نیز جابر بن یزید جعفی که گوید: از امام باقر (ع) هفتاد هزار حدیث شنیده ام که نمی توانم یکی از آنها را به کسی بگویم. همچنین راویانی که سعی می کردند بسیاری مسائل را به صورت معما جلوه دهند و امور واضح را مبهم و نامفهوم سازند که در سایه چنین افکاری جریان غلو رشد پیدا کرد. چنان که در تقریرات درس خارج شهید صدر (ره) به این اشخاص اشاره شده است.

۷. مرجع ضمیر: إسقاط ظواهر الكتاب الكريم عن الحجية.

۸. مشارالیه: إسقاط ظواهر الكتاب الكريم عن الحجية.

۹. متعلق: تفزع.

در استدلال بر عدم حجیت ظواهر قرآن کریم به اخباری که فهم قرآن را مختص به معصومین (ع) می‌دانند، دومین جواب شهید صدر (ره) این است که: این اخبار معارض با صریح قرآن می‌باشند؛ زیرا در صریح قرآن آمده است که قرآن بیانگر همه چیز می‌باشد؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ»^۱.

و در مباحث قبلی^۲ بیان شد که خبر واحد به لحاظ صفات مروی (متن روایت) در صورتی حجت است که دارای دو قید ذیل باشد:

الف) خبر حسی باشد.

ب) خبر مخالف با دلیل قطعی الصدور مانند قرآن کریم نباشد.

لذا اخبار این طایفه چون با صریح قرآن مخالف می‌باشد، نمی‌توان به آن‌ها اعتماد نمود و فاقد حجیت می‌باشند.^۳

تطبیق

و ثانیاً^۴: ان هذه الروایات معارضة للكتاب الكريم الدال على انه نزل تبیاناً لكل شيء و هدی و بلاغاً، و المخالف للكتاب من اخبار الآحاد لا یشمله^۵ دلیل حجیة خبر الواحد كما أشرنا سابقاً.

ثانیاً: این روایات (از نظر دلالت) معارض است با کتاب کریم که دلالت دارد بر آن‌که قرآن به عنوان تبیین کننده^۶ هر چیز و به عنوان هدایت^۷ و بلاغ^۸ (یعنی پیام) نازل شده است. و چنان‌که پیش از این اشاره کردیم، دلیل حجیت خبر واحد، شامل خبرهای واحدی که مخالف با کتاب باشد، نمی‌شود.^۹

^۱. ر.ک: نحل، آیه ۸۹.

^۲. در بحث «تحدید دایرة حجیت خبر ثقة».

^۳. ممکن است گفته شود که در بحث تحدید دایرة حجیت خبر واحد به لحاظ صفات مروی، بیان شد که خبر واحد در صورتی حجت نیست که مخالف آن با دلیل قطعی الصدور به نحو تباین کلی باشد، اما اگر رابطه بین خبر واحد و دلیل قطعی الصدور به نحو عام و خاص مطلق باشد، در تقدیم دلیل خاص اختلافی وجود ندارد و در ما نحن فیه، آیه شریفه «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ...» مطلق است؛ یعنی بیانگر بودن، قرآن برای تمام اشیاء نسبت به معصومین و غیر ایشان مطلق می‌باشد و این اخبار، اطلاق آیه فوق را مختص به معصومین (ع) می‌نماید؛ لذا جواب دوم شهید صدر (ره) تام نیست.

پاسخ: در پاسخ این اشکال چنین می‌توان گفت که ما قبول نداریم که تعارض بین این طایفه از اخبار و آیه مذکور تعارض غیر مستقر باشد؛ زیرا در آیه آمده است که قرآن کریم تبیان برای هر چیزی و بلاغ می‌باشد و چگونه می‌توان گفت که قرآن تبیان است؛ اما در نفس خود مجمل بوده و قابل فهم برای غیر معصوم نباشد، یعنی قابل فهم نبودن قرآن برای غیر معصوم، با تبیان و بلاغ بودن آن سازگار نیست. چنان‌که در آیه ۵۲ سوره ابراهیم خداوند متعال می‌فرماید: «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ».

^۴. یعنی: جواب دوم از اخبار طائفه اولی.

^۵. مرجع ضمیر: المخالف للكتاب من اخبار الآحاد.

^۶. چنان‌که در سوره نحل، آیه ۸۹ می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ».

^۷. چنان‌که در سوره آل عمران، آیه ۱۳۸ می‌فرماید: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى».

^۸. و چنان‌که در سوره ابراهیم، آیه ۵۲ می‌فرماید: «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ».

^۹. چون دلیل حجیت خبر واحد، تعبدی و مقید به غیر صورت مخالف با دلیل قطعی الصدور است.

دسته دوم؛ روایات دال بر عدم استقلال فهم قرآن

همان‌طور که بیان شد، اخباری‌ها سه دلیل بر عدم حجیت ظواهر قرآن کریم اقامه نموده‌اند که دومین دلیل آن‌ها اخبار است و اخبار بر سه دسته می‌باشند که دسته اول از آن‌ها و جواب به آن‌ها را در بخش قبلی درس بیان نمودیم و در این بخش به بیان و بررسی دومین دسته از روایاتی که اخباریون بر عدم حجیت ظواهر قرآن کریم بدان‌ها استناد کرده‌اند، می‌پردازیم:

دومین دسته از روایاتی که مورد استناد علمای اخباری بر عدم حجیت ظاهر قرآن، قرار گرفته است، روایاتی می‌باشد که از عمل به ظواهر قرآن کریم قبل از مراجعه به پیغمبر (ص) و اهل بیت (ع) نهی می‌نمایند؛ یعنی از استقلال در فهم قرآن کریم نهی می‌کنند؛ لذا ابتدا لازم است که به اخبار رجوع نموده و اگر تفسیر در اخبار نسبت به آیه پیدا کردیم به آن تفسیر باید عمل نماییم؛ و الا^۱ به ظاهر آیه عمل می‌کنیم.

برای مثال در روایتی، موسی بن عقبه از امام حسین (ع) نقل نموده که آن حضرت فرموده‌اند: «... و المعول علينا فی تفسیره لا تقتفی تأویله بل تتبع حقائقه فأطیعونا فإن طاعتنا مفروضة» یعنی: «...در تفسیر قرآن به ما اعتماد می‌شود؛ زیرا ما از روی گمان تأویل قرآن را بیان نمی‌کنیم، بلکه حقائق قرآن را دنبال می‌نماییم؛ پس از ما اطاعت کنید که اطاعت از ما واجب است.»

جواب شهید صدر به دسته دوم

شهید صدر می‌فرماید: این دسته از روایات از عمل به ظواهر قرآن کریم نهی نمی‌کنند، بلکه از این نهی می‌کنند که فهم خود را بر تفسیر و تبیین اهل بیت (ع) برای آیه‌ای از قرآن کریم، مقدم نماییم؛ در حالی که ما چنین کاری نمی‌کنیم؛ زیرا ما معتقدیم که اهل بیت (ع) عدل قرآن هستند و از یک‌دیگر جدا نمی‌شوند تا زمانی که بر حوض کوثر وارد شوند؛ لذا وقتی که ظاهری از قرآن کریم می‌بینیم، ابتدا به روایات رجوع نموده و اگر تفسیری در مورد آن وجود داشت به آن عمل می‌کنیم؛ اما اگر تفسیر و قرینه‌ای در روایات بر آیه مورد نظر پیدا نکردیم، به ظاهر آن آیه تمسک می‌نماییم؛ لذا این اخبار از حجیت و عمل به ظواهر قرآن کریم نهی نمی‌کنند و عمل به ظاهر قرآن، بعد از فحص در روایات، استقلال در فهم قرآن شمرده نمی‌شود.

تطبیق

الطائفة الثانية^۲: ما دل من الروایات علی عدم جواز الاستقلال فی فهم القرآن عن الحجة.

طایفه دوم (از روایات ناهیه از رجوع به قرآن) روایاتی است که دلالت دارند بر عدم جواز استقلال از حجت امام معصوم (ع) در فهم قرآن.

وهذه^۳ لا تدل علی عدم جواز العمل بظاهر الكتاب بعد الفحص فی کلمات الأئمة و عدم الظفر بقرینة علی خلاف الظاهر،

^۱. یعنی: اگر در اخبار تفسیری از آیه مد نظر پیدا نکردیم.

^۲. یعنی: دومین دسته از روایاتی که اخباری بدان‌ها بر عدم حجیت ظاهر قرآن تمسک نموده است.

^۳. مشارالیه: روایات طائفة ثانیة.

و (شاید توهم شود عمل به ظواهر قرآن، نوعی استقلال از حجت است، ولی این توهم باطل است؛ زیرا) این روایات دلالت ندارند بر آن که عمل به ظاهر کتاب بعد از فحوص در کلمات ائمه معصومین (ع) و پیدا نکردن قرینه‌ای برخلاف ظاهر، جایز نیست؛ (ما همواره پیش از عمل به ظاهر قرآن وجود قرینه‌ای برخلاف را در میان روایات معصومین جستجو می‌کنیم؛ چون قرینه‌ای پیدا نشد، آن‌گاه به ظاهر عمل می‌کنیم و روایات طایفه دوم بر عدم جواز چنین چیزی دلالت ندارند؛)

لأنّ هذا النحو من العمل ليس استقلالاً عن الحجة في مقام فهم القرآن الكريم.

زیرا این‌گونه عمل به ظاهر، به معنای استقلال از حجت در مقام فهم قرآن کریم نیست. (بلکه استقلال از حجت در فهم قرآن آن است که روایات را نادیده بگیریم و به ظاهر قرآن اکتفا کنیم و بگوییم: حسبنا کتاب الله.)

دسته سوم؛ اخبار ناهی از تفسیر به رأی قرآن کریم

سومین دسته از روایاتی که بر عدم حجیت ظهور به آن‌ها تمسک شده، اخباری است که از تفسیر به رأی قرآن کریم نهی می‌کنند؛ مانند حدیثی که از امام رضا (ع) از آباء طاهرینش (ع) از خداوند عزوجل نقل شده است که فرموده است: «ما آمن بی من فسر القرآن برأیه» یعنی: «کسی که قرآن را با نظر و رأی خودش تفسیر نماید به من (خدا) ایمان نیاورده است.»

تقریب استدلال به شکل یک قیاس برهانی:

صغری: عمل به ظاهر قرآن و احتجاج به آن، نوعی تفسیر به رأی است؛ چون مستظهر به عقیده خود قرآن را تفسیر نموده است.

کبری: تفسیر به رأی، حرام است.

نتیجه: عمل به ظاهر قرآن کریم و احتجاج به آن، حرام است.

جواب برخی بر استدلال فوق

شهید صدر می‌فرماید: برخی به استدلال فوق چنین پاسخ داده‌اند: «عمل به ظاهر قرآن کریم و فهم آن، تفسیر به رأی نیست؛ زیرا تفسیر یعنی، پرده برداری از معنایی که در پشت پرده نهفته است و رفع ابهام از معنایی که مبهم و مجمل است؛ در حالی که فهم ظاهر قرآن و بیان آن، رفع ابهام نیست؛ چون معنای ظاهر دارای ابهام نیست و پشت پرده نیست که نیاز به رفع پرده داشته باشد.»

^۱. متعلق: لا تدل.

۱. دلیل اول: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ...»؛ بدین تقریر که هرچه نص نیست، متشابه است و از اتباع متشابه نهی شده است.

اولاً، متشابه مختص به مجمل است و ظاهر متشابه نیست.
ثانیاً، آنچه مورد نهی است، جدانگاری متشابهات و تأکید بر آنها به قصد ایجاد فتنه است.
ثالثاً، آیه شریفه ظاهر در معنا است و نهی مذکور در آیه، ظهور خود را نیز شامل می‌شود.

پاسخ شهید صدر(ره)
به این استدلال:

۲. دلیل دوم: روایاتی که از مراجعه به ظاهر قرآن نهی می‌کند و آنها به سه دسته تقسیم می‌شوند:
دسته اول: روایاتی که دلالت دارند بر اینکه قرآن را کسی جز پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) او - که مخاطب قرآن بوده‌اند - نمی‌فهمد.

اولاً، سند این روایات ضعیف است.
ثانیاً، این روایات با قرآن مخالف هستند و خبر واحدی که مخالف قرآن باشد، فاقد حجیت است.

پاسخ شهید صدر(ره)
به این استدلال:

دسته دوم: روایاتی که در فهم قرآن، استقلال از حجت را جایز نمی‌دانند.
پاسخ شهید صدر(ره): این روایات دلالت ندارند بر این که عمل به ظاهر بعد از فحص از قرینه در کلام معصومین، جایز نیست.

دسته سوم: روایاتی که از تفسیر به رأی قرآن کریم نهی می‌کنند و حمل قرآن بر ظاهرش، نوعی تفسیر به رأی می‌باشد.

پاسخ برخی به این استدلال: حمل قرآن بر ظاهر الفاظ، تفسیر به رأی نیست.

تطبیق

الطائفة الثالثة^۱: ما دل من الروایات على النهی عن تفسير القرآن بالرأی^۲، و ان من فسر القرآن برأیه فقد كفر .
 طایفه سوم (از روایات ناهیه از رجوع به قرآن کریم) روایاتی است که دلالت بر نهی از تفسیر به رأی قرآن دارند و این که هرکس قرآن را به رأی خویش تفسیر کند، بی شک کافر شده است.
 و قد أجیب على الاستدلال بها^۳، بان حمل اللفظ على معناه الظاهر ليس تفسيراً لأن التفسير كشف القناع، و لا قناع على المعنى الظاهر.
 از استدلال به این روایات، این گونه جواب داده شده که حمل لفظ بر معنای ظاهر خود، تفسیر نیست؛ زیرا تفسیر کنار زدن پرده است و معنای ظاهر پرده‌ای ندارد.

Scor: ۲۹: ۴۹

^۱. یعنی: سومین دسته از روایاتی که اخباری به آن‌ها بر عدم حجیت ظواهر قرآن کریم استناد کرده است.

^۲. متعلق: تفسیر.

^۳. مرجع ضمیر: الطائفة الثالثة.

چکیده

۱. سه دلیل بر عدم حجیت ظواهر قرآن آورده شده است؛ دلیل اول، آیه هفتم از سوره آل عمران است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ...» بدین تقریر که هرچه نص نیست، متشابه است و از اتباع متشابه نهی شده است. شهید صدر (ره) در پاسخ به این استدلال می‌فرماید:

اولاً، متشابه مختص به مجمل است و ظاهر متشابه نیست.

ثانیاً، بر فرض که ظاهر متشابه محسوب شود، آنچه مورد نهی است جدانگاری متشابهات و تأکید بر آن‌ها به قصد ایجاد فتنه است و این امر حتی در ظواهر نیز جایز نیست.

ثالثاً، آیه شریفه ظاهر در معنا است، و نهی مذکور در آیه، ظهور خود را نیز شامل است.

۲. دلیل دوم بر عدم حجیت ظواهر قرآن روایاتی است که از مراجعه به ظاهر قرآن نهی می‌کند و آن‌ها به سه طایفه تقسیم می‌شوند:

طایفه اول: روایاتی که دلالت دارد بر این‌که خداوند سبحان، قرآن را مبهم و پیچیده قرار داده تا مردم به امام معصوم (ع) احساس نیاز پیدا کنند و نیز دلالت دارد بر این‌که قرآن را کسی جز پیامبر (ص) و اهل بیت او - که مخاطب قرآن بوده‌اند - نمی‌فهمد. جواب از این طایفه روایات، آن است که:

اولاً، سند آن‌ها ضعیف است.

ثانیاً، دلالت آن‌ها مورد اشکال است؛ زیرا این روایات با قرآن - که خود را به عنوان کتاب هدایت و بیان‌کننده هر چیز معرفی می‌کند - معارض است و خبر واحدی که معارض قرآن باشد، مشمول دلیل حجیت نیست.

طایفه دوم: روایاتی که در فهم قرآن، استقلال از حجت را جایز نمی‌دانند، ولی این روایات دلالت ندارند بر این‌که عمل به ظاهر بعد از فحص از قرینه در کلام معصومین جایز نیست.

طایفه سوم: روایاتی که از تفسیر به رأی قرآن کریم نهی می‌کنند و حمل قرآن بر ظاهرش، نوعی تفسیر به رأی می‌باشد. برخی به این استدلال، چنین پاسخ داده‌اند که حمل بر ظاهر، تفسیر نیست.